

عیوقی

عیوقی (*) یکی از شاعران دوره اول غزنوی، معاصر سلطان محمود (378 - 421 ه.ق.) سرزمین آریان می باشد. او داستان معروف «ورقه و گلشاه» را بنظم آورد. علاوه بر آن مثنوی دیگری به بحر رمل مسدس و قصایدی نیز داشته است، دو بیت از وی در لغت فرس اسد توسی آمده است.

داستان ورقه و گلشاه سرگذشتی عاشقانه است از اصل عربی که پیش از دوره رسالت پیغامبر اسلام اتفاق افتیده بود. ورقه پسر شیخ قبیله بنی شبیه و گلشاه دختر عم او بود که از کودکی یکدیگر را دوست داشتند. از داستان «ورقه و گلشاه» در آثار مولانا جلال‌الدین بلخی یاد شده و کتابی بنام «حکایه عجیبه از احوال گلشاه و ورقه» از فارسی بترکی ترجمه و در سال 1324 در تاشکند چاپ شد و همین قصه در ادبیات قرون وسطایی اسپانیا و فرانسه بنام (1) : (Floire et Blancheflor) مثنوی ورقه و گلشاه ببحر متقارب ساخته شده و شاعر نام خود و ممدوح خود را در ادبیات ذیل آورده است (2) :

تو عیوقیا گرت هوشست و رای
بخدمت بی‌پای و بمدحت گرای
بدل مهر سلطان غازی بجوی
بجان مدح سلطان محمود گوی
ابوالقاسم آن شاه دین و دُول
شه‌نشاه عالم امیر ملل
نبیند جهان و نزیاید سپهر
چو او راد و فرزانه و خوب چهر
در اقبال و در فضل و در هر فنی
جهانیست در زیر پیراهنی ...

ایا ماه گل چهر دلخواه من
دراز از تو شد عمر کوتاه من
اگر وصل من خوار آید ترا
نهد بخت برمشتری گاه من
منم شاه گردنکشان جهان
توشاه ظریافانی و ماه من
کج رفتی ای دل گسل یار من
مگرسیرگشتی ز دیدار من
نجستم بتا هرگز آزار تو
چرا جستی ای دوست آزار من
چگونست بی من بتا کارتو
کوه با جان رسید از عنا کار من

زمن زار تر گردی اندر فراق
اگر بشنوی ناله و زار من
برتست زنهار جان و دلم
نگه دار زنهار زنهار من
گرم درچه غم نخواهی فگند
چرا کندی اندر زرخ چاه من

منابع و مأخذ

- (*) عیوقی : منسوب به عیوق : [بحر بی نگهبان] ستاره ایست سرخ رنگ و روشن در کنار راست کهکشان که پس از ثریا بر آید و پیش از آن غروب کند .
- 1 - تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا ، ص 601 ، 602 .
 - 2 - مجله دانشکده ادبیات تهران ، شماره 4 ، سال اول .